

یهودیان ایران و تحریف تاریخ معاصر

هادی رستمی

در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری معاصر ایران طیف گسترده‌ای از جریان‌ها و گرایش‌ها و بینش‌ها فعالیت می‌کنند که هر کدام به نوعی تلاش می‌کنند نقش خود و جریان‌ها وابسته به خود را پررنگ‌تر از سایر نقش‌ها نشان دهند. این تمایل اگر چه در ظاهر بیانگر رشد تاریخ‌نگاری معاصر و عدم سیطره‌ی یک روایت خاص بر تاریخ است و جامعه را در معرض دسترسی به اطلاعات وسیع‌تر و تحلیل‌های متفاوت و متکثر قرار می‌دهد، اما اثرات مذکور وقتی قابل تصور است که مورخین مورد نظر، نیت تاریخ‌نگاری خود را آلوده به تحریف، وارونه نویسی و دروغ پردازی ننمایند. متأسفانه سیطره‌ی جریان تاریخ‌نگاری رسمی در یکصد و پنجاه سال اخیر و حمایت نظام مشروطه‌ی سلطنتی از گرایش‌های متفاوت این جریان، تاریخ معاصر را در شرایطی قرار داده است که اعتماد و اطمینان به روایت‌های آن، مورد تردید است و امروز جامعه‌ی ما پیوسته با حجم وسیعی از اسناد و مدارک تاریخی تازه سروکار پیدا می‌کند که این جریان در طول حاکمیت خود بر تاریخ‌نگاری معاصر، راه را برای آگاهی مردم از این اسناد و مدارک بسته بود. اگر چه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سیطره‌ی جریان تاریخ‌نگاری رسمی در ایران شکسته شد، اما گرایش‌های متفاوت آن در دو دهه‌ی اخیر فراز دیگری از تاریخ‌نگاری رسمی را در داخل و خارج از کشور آغاز نمودند که غفلت از آنها و عدم نقد، ضایعات سنگینی را به همراه خواهد داشت.

در دور جدید تاریخ‌نگاری رسمی که شروع متفاوت آن باید مورد بررسی دقیق و مستندی قرار گیرد، گروه‌های سیاسی، اقلیت‌های مذهبی و شبه مذهبی، الیگارش‌ی وابسته به رژیم مشروطه‌ی سلطنتی، کارگزاران رژیم پیشین و از همه مهم‌تر جریان‌ها شبه روشنفکری غرب‌گرا که افکار و اندیشه‌های بسته‌ی آنها به هیچ وجه دگرگونی‌ها و تحولات فکری، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران را غیر از تقلید مطلق از غرب و سپردن استقلال، آزادی و امنیت فکری و اجتماعی به آنها را برنمی‌تابد، نقش فعالی را ایفا می‌کنند و هر روز از گوشه و کنار داخل و خارج کشور طیفی از روایت‌های شفاهی و کتبی را تحت عنوان پژوهش‌های تاریخی در جامعه منتشر می‌کنند که اگرچه در مجموع چیز با ارزشی از ناگفته‌های تاریخی به همراه ندارد، اما وارونه نویسی و تحریف تاریخ اهمیت ویژه‌ی دارد.

فصلنامه‌ی پانزده خرداد در انجام وظیفه‌ی علمی و تاریخی خود تلاش می‌کند در هر شماره، وجوه متفاوتی از این تاریخ‌نگاری را به جامعه معرفی و تا حد امکان شرایط را برای نقد علمی و تاریخی آنها فراهم نماید. در این شماره، طیف جدیدی از این تاریخ‌نگاری را که اخیراً با فضای دیگری به تحولات سیاسی - اجتماعی ایران و نقش خود در آن پرداخته است، معرفی و نقد خواهیم کرد. بی‌تردید فصلنامه ممکن است

با پاره‌ای از نتیجه‌گیری‌ها و شیوه‌های تحلیل نویسنده‌ی محترم این مقاله موافقت نداشته باشد، اما از آنجا که طرح چنین مباحثی را به نفع فرهنگ، باورها و ارزش‌های این ملت و دفاع از تمامیت ارضی، منافع ملی و استقلال کشور می‌داند، متن را با مختصری اصلاحات مفهومی تقدیم می‌کند. در اینجا قابل ذکر است که چاپ این‌گونه آثار به منزله‌ی نادیده گرفتن حقوق اقلیت‌ها که در طول تاریخ در جامعه‌ی اسلامی همیشه با آزادی و احترام و رعایت حقوق دینی و مذهبی خود بیش از آن چیزهایی که در غرب مطرح می‌شود زندگی کرده‌اند، نیست، بلکه تذکر این نکته‌ی حساس تاریخی است که هیچ جریان، گروه، حزب و اندیشه‌ای در موضع اقلیت و اکثریت، حق وارونه نویسی و تحریف تاریخ را نداشته و اگر اقدام به چنین عملی کند آن را به منزله‌ی تفرقه‌انگیزی و خیانت به آرمان‌های ملت ایران تلقی می‌کنیم. مقاله‌ی حاضر بی‌تردید مقدمه‌ای است بر یک تحقیق گسترده‌ی تاریخی که ضرورت دارد در آینده مستند بر اسناد تاریخی به شکل جدی صحت و سقم سؤالات، فرضیه‌ها و نظریه‌های خود را در معرض آزمون و داوری پژوهشگران تاریخ ایران قرار دهد.

فصلنامه ۱۵ خرداد

◆ مقدمه

تاریخ‌نگاری و ثبت وقایع تاریخی همواره محل جدل و بحث تاریخ‌نگاران و راویان تحولات تاریخی در طول سال‌های گذشته بوده است، چرا که هر فرد و یا جریانی بر مبنای منافع و سلايق شخصی یا جریان فکری، برداشت خاص خود را از وقایع داشته است. این موضوع در کشور ایران به ویژه در خصوص تاریخ معاصر از عینیت بیشتری برخوردار است. ثبت وقایع تاریخی در خصوص دوران قاجار، انقلاب مشروطیت، کودتای ۲۸ مرداد، انقلاب اسلامی و دیگر وقایع، همواره محل مناقشه‌ی افرادی بوده است که این وقایع را ثبت نموده‌اند. گرایش‌های حاکم بر جریان‌های چپ و کمونیستی، سلطنت‌طلب، ملی‌گرا و اسلامی سبب شده تا وقایع تاریخی بر مبنای تفکرات متفاوتی بازگو شود. اگر چه این امر تا حدودی طبیعی می‌نماید، اما آنچه محل مذاقه می‌باشد، جریان‌سازی و تحریف وقایع تاریخی است که پسندیده نمی‌باشد. زیرا نویسندگان این‌گونه مباحث، سعی می‌نمایند تا به گونه‌ای در وقایع گذشته دست برده و آن را بر مبنای سلايق و امیال خود دچار تحریف و یا انحراف نمایند و یا آن وقایع را طوری ترسیم نمایند که نقش جریان‌های وابسته به خود در آن، بیش از آنچه بوده، نمود یابد.

یکی از این جریان‌هایی که در حال حاضر با این روش به سراغ تاریخ معاصر رفته و در این مسیر به ایفای نقش می‌پردازد، بخشی از یهودیان ایران می‌باشند. یهودیان همواره به عنوان اقلیتی کوچک در جامعه‌ی ایران زندگی کرده‌اند، بی‌تردید تأثیر این اقلیت بر تاریخ کشور باید در حد و اندازه‌های آنها مورد بررسی قرار گیرد. به عبارتی، وقایع تاریخی منتسب به یهودیان و یا تحولاتی که یهودیان در آن تأثیرگذار بوده‌اند، باید متناسب با وضعیت جمعیتی و مشارکت آنها در تحولات سیاسی و حضور آنها در عرصه‌های تصمیم‌گیری باشد. در حالی که آثار و کتب منتشر شده از سوی یهودیان، خلاف این امر را آشکار می‌سازد. جملگی این

آثار بر یک نکته تأکید دارند و آن اینکه تاریخ ایران مرهون نقش آنها بوده و یهودیان در آن تأثیر بسزایی داشته‌اند و از این آثار این طور استنباط می‌گردد؛ که اگر یهودیان نبودند چه بسا مسیر تاریخ ایران به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. لذا برای روشن شدن این نقش در تاریخ کشور به بررسی این موضوع از نگاه آثار منتشر شده از سوی یهودیان پرداخته می‌شود.

◆ طرح موضوع

اگر چه عده‌ای معتقدند که در یک نگاه کلی، مهم‌ترین جریان پدیدآورنده‌ی بیماری بدعت و تحریف در تاریخ بشر، قوم بنی‌اسرائیل بوده و به تدریج این شیوه‌ی ناپسند و پر آفت از حوزه‌ی اندیشه و زندگی محدود آنان تجاوز کرده و به دیگر محافل، نژادها و جوامع بشری سرایت کرده است. بنی‌اسرائیل ابتدا شیوه‌ی تحریف‌گری را در مورد حقایق دینی و کتاب‌های آسمانی در پیش گرفته بودند و در نتیجه‌ی این کار و شیوه‌ی ناپسند و زشت آنان است که اکنون تورات و انجیل موجود، دچار آفت تحریف شده‌اند^۱ و حتی برای اثبات این نقش در تحریف تاریخ به گونه‌ای به قرآن کریم نیز استناد کرده و اطلاق واژه‌ی **يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ** در سوره‌ی نساء آیه‌ی ۶۱ را مصداق این موضوع می‌دانند. اما مراد طرح پژوهشی حاضر، استناد به روایت‌های دینی و مباحثی شبیه مباحث مذکور برای اثبات ادعای خود نیست.

در سال‌های اخیر آثار منتشر شده از سوی یهودیان، جملگی به بزرگنمایی نقش این اقلیت پرداخته و تلاش شده تا با تحریف و یا تغییر وقایع به نفع یهودیان، این نقش بیش از آنچه که بوده نشان داده شود. این جریان‌سازی، حوزه‌های مختلفی از قبیل: تاریخ، فرهنگ، ادبیات، دین و اقتصاد را شامل می‌شود. در هر یک از این حوزه‌ها سعی شده است تا به گونه‌ای ردپایی از یهودیان ترسیم شود. هدایت این جریان‌سازی از دو ناحیه در حال پیگیری می‌باشد.

الف) داخل کشور

از آنجا که امکانات و مقدرات یهودیان داخل کشور در اشاعه‌ی این روند محدود می‌باشد، در نتیجه آثار و پیامدهای حاصل از این موضوع در مقایسه با آثار یهودیان ایرانی ساکن در خارج از کشور به مراتب کمتر است. در خصوص چرایی این امر دلایل چندی را می‌توان برشمرد:

۱. زندگی در داخل حاکمیت مسلمان.

۱. ابوالفضل شکوری، جریان شناسی تاریخننگاری‌ها در ایران معاصر، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۵.

۲. داشتن جمعیت اندک.

۳. در اختیار نداشتن امکانات رسانه‌ای گسترده.

۴. داشتن روحیه‌ی محافظه‌کاری به دلیل حساسیت جامعه‌ی مسلمان نسبت به آنان.

موارد ذکر شده سبب گردیده تا این دسته از یهودیان، سنجیده و با در نظر گرفتن مصالح خود (زندگی در جامعه‌ی ایران) به اجرایی نمودن این سیاست مبادرت ورزند. انجمن کلیمیان تهران، به عنوان متولی رسمی جامعه‌ی یهودیان ایران، بخشی از این حرکت را هدایت می‌نماید. این انجمن در حال حاضر نشریه‌ی افق بینا را منتشر می‌کند و دارای سایت اینترنتی نیز می‌باشد که هر دو آنها قدمت چندانی ندارند. البته باید به این نکته اشاره کرد که در اوایل انقلاب اسلامی، یهودیان نشریه‌ای را تحت عنوان تموز منتشر می‌نمودند که پس از مدتی، انتشار آن متوقف گردید. بررسی محتوایی مطالب منتشر شده‌ی یهودیان در حوزه‌ی داخلی در برگیرنده‌ی محورهای خاصی می‌باشد که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. ارائه‌ی چهره‌ای مظلوم از یهودیان.

۲. بزرگنمایی این موضوع که همواره در ادوار مختلف تاریخی به یهودیان ایرانی ظلم و ستم شده است.

۳. یادآوری این نکته که یهودیان نقش بسزایی را در عرصه‌های مختلف کشور داشته‌اند.

۴. بزرگنمایی نقش یهودیان در پیروزی انقلاب اسلامی و مشارکت آنها در سرنگونی رژیم گذشته.

در این میان نشریه‌ی افق بینا به روش خاصی در شماره‌های مختلف ضمن تحریف تاریخ معاصر به القا و بزرگنمایی و تأثیرگذاری یهودیان بر عرصه‌های مختلف کشور مبادرت نموده است. برای روشن شدن موضوع به مواردی چند اشاره می‌شود.

یکی از این موارد، مقاله‌ی **ماجرای مرموز مستر حییم** می‌باشد که در شماره‌ی ۸ بینا چاپ شده است. مستر حییم نماینده‌ی یهودیان در دوره‌ی پنجم مجلس شورای ملی بود که به دلیل تلاش برای براندازی حکومت رضاخان به دست وی اعدام گردید. نویسنده‌ی مقاله کوشیده تا چهره‌ای مثبت و بی‌گناه از نامبرده ترسیم و موضوع را به اختلافات داخلی یهودیان مرتبط سازد.

نکته‌ی جالبی که در این زمینه وجود دارد، عدم اشاره‌ی نویسندگان یهودی به واقعه‌ی صورت گرفته می‌باشد. اگر واقعه‌ی صورت گرفته آن چنان می‌باشد که نویسنده‌ی مقاله بدان

پرداخته است، چرا سایر نویسندگان یهودی که در خصوص بسیاری از مسائل جزئی تاریخ معاصر به اظهار نظر پرداخته‌اند، در این زمینه سکوت نموده‌اند؟ نویسنده‌ی مقاله، پاسخ این سوال را این‌گونه توجیه نموده است: اعدام مسیو حییم به دست رضاخان و به اتهام نیت در براندازی پهلوی بوده است. بدیهی است اثر حبیب لوی، زاده‌ی دوران پهلوی دوم است، در حضور تعلق خاطرها و حفظ جانب‌ها چگونه سایه‌ی بعضی مصالح، چهره‌ی برخی حقایق را خواهد پوشانید.

و یا در جای دیگری از مقاله، نویسنده اظهار می‌دارد:

... خوب به خاطر دارم تنها کسی که این مطالب را حدس می‌زد یک نفر کلیمی بسیار باهوش و بسیار با استعداد به نام حییم بود که تازه وکیل کلیمی‌ها شده و با کمک مدرس به مجلس آمده بود.

طرح ادعای حمایت مرحوم مدرس از نماینده‌ی کلیمیان، موضوعی می‌باشد که به تحقیق بیشتری نیاز دارد و باید دید چه کسی و با چه هدفی این موضوع را طرح نموده است؟

ب) خارج از کشور

حجم عمده و محور اصلی هدایت جریان‌های تاریخی که در آنها موضوع حضور یهودیان در تاریخ معاصر و تأثیرگذاری آنها بر تاریخ، به شکل گسترده‌ای مطرح شده است، توسط سازمان‌ها، نهادها و افراد یهودی ایرانی ساکن در خارج از کشور که عمدتاً در امریکا و اسرائیل ساکن می‌باشند، صورت می‌گیرد. گستردگی این اقدامات دلایل متعددی دارد:

۱. ضدیت با جمهوری اسلامی به دلیل از دست دادن موقعیت ممتاز در رژیم پهلوی.

۲. داشتن جمعیت بیشتر.

۳. نداشتن محدودیت زندگی در ایران، به لحاظ زیر سؤال بردن برخی از مسلمات تاریخی و

حمله به نظام اسلامی.

۴. نداشتن روحیه‌ی محافظه کاری.

۵. بهره‌گیری از امکانات و کمک‌های افراد و سازمان‌های صهیونیستی.

۶. در اختیار داشتن امکانات و کمک‌های رسانه‌ای متعدد.

۷. حمایت دولت‌های امریکا و اسرائیل.

در این مقوله عمده‌ترین محور هدایت جریان‌سازی تاریخی از سوی سازمان‌های متعددی

صورت می‌گیرد که توسط یهودیان ایرانی ایجاد گردیده‌اند که جهت آشنایی به برخی از این سازمان‌ها اشاره می‌گردد:

- مرکز تاریخ شفاهی یهودیان
- فدراسیون یهودیان ایران - آمریکا
- انجمن یهودیان ایران - آمریکا (سازمان سیامک)
- شورای سازمان‌های یهودی ایران و آمریکا
- بنیاد حبیب لوی
- جامعه‌ی دانشوران

و...

سازمان‌های مورد اشاره، هر یک به فراخور خود به ایفای گوشه‌ای از این جریان تاریخی می‌پردازند. اقدامات این سازمان‌ها را می‌توان در ابعاد مختلف تقسیم نمود. به عبارتی حوزه‌هایی را که یهودیان در جریان تاریخ‌نگاری وارد آن شده‌اند را می‌توان در زوایای مختلف مورد کنکاش قرار داد. بخشی از این حوزه‌ها در عرصه‌های علمی و مکتوب قابل تعریف می‌باشد که به اختصار به برخی از این موارد اشاره می‌گردد:

۱. انتشار کتاب
 ۲. انتشار مجله و روزنامه (نظیر چشم انداز، شوفار، عالم یهود و...)
 ۳. برپایی سمینارها و کنفرانس‌ها
 ۴. سخنرانی در محافل علمی و دانشگاهی
- برای روشن شدن ابعاد و ماهیت این اقدامات به بررسی تعدادی از آثار منتشر شده از سوی این سازمان‌ها که در قالب کتاب صورت پذیرفته می‌پردازیم.

۱. کتاب گنجینه‌های طلایی یا هزار و یک خاطره

این کتاب توسط فردی به نام روح‌الله کهنیم و توسط انتشارات بنیاد فرهنگی روح‌الله کهنیم در سال ۱۹۹۳ در لس‌آنجلس چاپ گردیده است. این کتاب در برگیرنده‌ی شمای کلی وضعیت یهودیان در ایران و همچنین فعالیت‌ها و اقدامات آنها در خارج از کشور می‌باشد. بخش مربوط به ایران این کتاب عمدتاً دوران پیش از انقلاب را شامل می‌شود و بخش مربوط به خارج آن در برگیرنده‌ی زندگی یهودیان ایرانی می‌باشد که عمدتاً پس از انقلاب به آمریکا مهاجرت

نموده‌اند. در بخش مربوط به ایران، نویسنده با بررسی اجمالی تاریخچه‌ی سازمان‌های یهودی ایرانی کوشیده تا یک شناخت کلی را از وضعیت یهودیان به خواننده ارائه دهد. تلاش عمده‌ی نویسنده در کتاب مورد بحث، القای این موضوع می‌باشد که شکوفایی فرهنگ، اقتصاد، ادبیات، هنر و تاریخ ایران، متکی به یهودیان بوده است و یهودیان کمک چشمگیر و شایانی را به ایران نموده‌اند. نویسنده در کتاب مذکور به تحولاتی در عرصه‌ی تاریخ معاصر ایران اشاره داشته است که جملگی این موضوعات فاقد منبع می‌باشند و از این حیث اعتبار کتاب زیر سوال می‌رود. در این خصوص می‌توان مصادیق چندی را برشمرد:

یکی از این موارد، معرفی آیت‌الله بهبهانی به عنوان نماینده‌ی کلیمیان در مجلس شورای ملی و طرفدار یهودیان معرفی نمودن وی می‌باشد:

نماینده‌ی منتخب کلیمیان مرحوم (عزیزالله سیمانی) پس از یکی دو ماه از رفتن به مجلس خودداری نموده، لذا زعمای قوم و حبرا مصلحت دیدند یکی از آیت‌الله‌های مؤمن و با تقوا و اوهب اسرائیل را به نمایندگی جامعه‌ی کلیمیان به مجلس معرفی نمایند و در بین آنها قرعه به نام مرحوم آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی اصابت کرد و از جانب کلیمیان نمایندگی مجلس را احراز کردند و حتی المقدور و خدایسندانه از حقوق یهودیان دفاع کرده‌اند.^۱

نوع متن به گونه‌ای است که گویا علمای مسلمان، مشتاق یهودیان بوده‌اند که در این بین قرعه‌ی فال به نام مرحوم بهبهانی می‌افتد. از طرفی معرفی ایشان به عنوان دوستدار یهودیان، نکته‌ی قابل تأمل دیگر در این متن می‌باشد. بی‌تردید علمای اسلام در دفاع از حقوق اقلیت‌ها همواره کوشا بوده‌اند و در راه تأمین حقوق حقه‌ی آنان همانند دیگر شهروندان ایرانی طبق وظیفه‌ی اسلامی از هیچ فداکاری پروا نمی‌کردند لیکن هیچ‌گاه به گروهی از اقلیت‌های مذهبی گرایش ویژه و دوستی خاصی نداشته‌اند.

مصدق قابل ذکر دیگر، نقل قولی از امام می‌باشد:

... بعد از انقلاب همیشه با مردم بوده [منظور نویسنده، حاخام شوفت می‌باشد] و پیشاپیش صف تظاهرات کنندگان یهودی حرکت می‌کرد و با ورود (آیت‌الله خمینی) طبق دستور مذهب یهود به استقبال ایشان رفته و بعد هم با عده‌ای برای دیدار ایشان به قم رفته و از [ایشان] استدعای عطف لطفی درباره‌ی حفاظت از جان و مال یهودیان نمودند که در جواب آیت‌الله فرمودند (در پاریس به رؤسای یهودیان قول داده‌ام که نسبت به

کلیمیان خوشرفتاری کنم) و با این گفته آرامشی برای کلیمیان فراهم گردید. همچنین در نماز روز جمعه‌ی عید غدیر نیز به دانشگاه رفته و از آیت‌الله طالقانی استدعا نمودند که در نطق خود از جماعت کلیمی و دولت اسرائیل بدگویی نکنند که این هم مورد موافقت ایشان قرار گرفت.^۱

گفتن ندارد که امام خمینی روی رسالت اسلامی خوشرفتاری و نیکی نسبت به همه‌ی انسان‌ها را وظیفه‌ی خود می‌دانست و در این مرحله به قول و قرار، نیازی نمی‌دید. امام این نکته را بارها اعلام کردند که همه‌ی گروه‌ها، اقلیت‌ها و جمعیت‌ها در اظهار عقیده آزادند و تا وقتی که به توطئه دست نزده‌اند، می‌توانند در نظام اسلامی به فعالیت‌های خود ادامه دهند. ادعای نویسنده در نوشته‌ی بالا مبنی بر اینکه از آقای طالقانی استدعا نمودند که در نطق خود «... از دولت اسرائیل بدگویی نکنند» پیوستگی و ارتباط نویسنده و این جمعیت را به رژیم صهیونیستی به درستی آشکار می‌سازد و تحریف آشکار در این نوشته این است که ادعا می‌کند این استدعا «مورد موافقت ایشان قرار گرفت»!!

آیا مرحوم آیت‌الله طالقانی که عمر خود را در مبارزه با ظلم و ظالم صرف کرده بود، می‌توانست در برابر ظلم و جنایت صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی دم فرو بندد؟ آشفتگی نویسنده در جعل تاریخ و همراه نشان دادن رهبران خود با انقلاب ایران به گونه‌ای است که گویا نویسنده فراموش کرده در چند سطر قبل از قول رهبران دینی خود آورده است: ... هر ساله دوبار به نمایندگی کلیمیان ایران از سال ۱۳۲۶ تا ۱۳۵۷ برای عرض تبریک شرفیاب می‌شدند و سخنان ایشان مورد توجه مقام سلطنت قرار می‌گرفت.^۲

۲. کتاب یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر

این کتاب در پنج جلد توسط مرکز تاریخ شفاهی یهودیان در کالیفرنیا، امریکا چاپ گردیده است. کتاب مورد نظر در برگزیده‌ی مقالات مختلف تاریخی، ادبی، فرهنگی و اجتماعی است که با نگاه تأثیرگذاری یهودیان بر این حوزه‌ها مورد نگارش قرار گرفته است. مطالب کتاب شامل ادعاهای مختلفی است که نویسندگان مقالات بدون ارائه‌ی منابع معتبر و مستند به ارائه‌ی آن پرداخته‌اند و در این خصوص تحریف‌های متعددی در این کتاب به چاپ رسیده است. جهت

۱. همان، ص ۴۵۳ و ۴۵۴.

۲. همان، ص ۴۵۳.

آشنایی بیشتر به مواردی چند اشاره می‌گردد:

الف) مقاله‌ی بررسی تطبیقی یهودستیزی در کشورهای اروپایی و ایران، به قلم شیرین‌دخت دقیقیان که در آن اتهامات متعددی را متوجه مسلمانان ایران، به جهت آنچه که نویسنده از آن به عنوان ظلم و ستم به یهودیان یاد کرده، نموده است.

ب) مقاله‌ی انقلاب مشروطه، نخستین گام برای مبارزه با یهودستیزی در ایران قرن بیستم، نوشته‌ی ژاله پیر نظر.

ج) مقاله‌ی یهودیان ایرانی و موسیقی، نوشته‌ی آلن شائولی.

د) مقاله‌ی فیلم یهودیان مشهد این مقاله به صورت گسترده‌ای به طرح تحریف‌های متعددی در خصوص مسلمان شدن یهودیان ساکن در مشهد در سال‌های گذشته پرداخته است. این مقاله در پی آن است که عنوان کند، مسلمان شدن این دسته از یهودیان به اجبار و به دلیل ترس از مسلمانان بوده است. این مقاله به گونه‌ای می‌کوشد تا موضوع یهودستیزی در ایران را به خواننده القا کند. آمون نتصر، استاد ایران شناسی دانشگاه عبری بیت المقدس^۱ در این مقاله می‌نویسد:

تحقیقات نشان می‌دهد که وقتی در ۲۷ مارس ۱۸۳۹ این فاجعه‌ی بزرگ در مشهد روی داد (قتل عام یهودیان) عده‌ی زیادی از وقوع آن بی‌خبر ماندند و مدت‌ها پس از این قتل‌عام، کسی از آن با اطلاع نشد. یهودیان دنیا از این رویداد فجیع تنها در دهه‌ی سوم قرن بعد آگاه شدند، اما از قرار معلوم تعداد معدودی از این ماجرا خبر داشتند.^۲

نکته‌ی جالب اینکه نویسنده، خود اذعان می‌دارد که کسی از این ماجرا خبردار نشده است. سوال اینجاست که در صورت صحت ادعای دروغین نویسنده در خصوص این چنین قتل عام فجیعی، چطور این واقعه انعکاسی نداشته و کسی از آن باخبر نشده است؟ منبع و استناد نویسنده برای طرح این ادعا چه می‌باشد؟ جز اینکه این واقعه توسط یهودیان نقل شده است.

ه) نمونه‌ی تحریف آشکار دیگر، مقاله‌ی نقش یهودیان در ایران انقلاب مشروطیت می‌باشد که توسط آمون نتصر به رشته‌ی تحریر درآمده است. وی در این مقاله کوشیده عنوان کند یهودیان نقش مهمی را در انقلاب مشروطیت داشته‌اند. وی با طرح نام دو تن از

۱. آمون نتصر (ناصر سلوکی) در سال ۱۳۱۳ (۱۹۳۴) در رشت متولد گردید و در سال ۱۳۲۹ (۱۹۵۰) در سن جوانی به فلسطین اشغالی رفت. او از سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) تا کنون استاد ایران شناسی در دانشگاه عبری بیت‌المقدس است.

۲. یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر، مرکز تاریخ شفاهی یهودیان، کالیفرنیا، ۱۹۹۶، ص ۲۴۳ و ۲۴۴.

یهودیان و تعمیم آن به انقلاب مشروطیت بیان می‌دارد که یهودیان نقش بسزایی را در این تحول تاریخی داشته‌اند. وی در بخشی از این مقاله می‌نویسد:

... انقلاب مشروطیت در ایران یکی از بزرگترین تحولات تاریخی قرن اخیر برای ایرانیان و برای اقلیت مذهبی این کشور به شمار می‌رود. علت اساسی این امر را باید در فقدان منابع کتبی و شفاهی دانست. دکتر حبیب لوی، قریب نیم قرن پس از انقلاب مشروطیت گزارشی کوتاه در جلد سوم تاریخ یهود ایران خود آورده است که جمعا بیش از دو سه ورق از حجم کتاب را نمی‌گیرد. جای تعجب و تأسف است که چنین پدیده‌ی مهم نتوانسته است حتی موضوع یک مقاله‌ی تحقیقی در جراید یهودیان باشد. قریب ده سال پس از انقلاب مشروطیت، یهودیان نخستین روزنامه‌ی خود را به نام شالوم در تهران منتشر ساختند و چیز قابل توجهی در این مورد در جریده‌ی خود نیاوردند.^۱

نکته‌ی جالب در مطالب نویسنده‌ی سطور فوق این است که علی‌رغم ادعاهای مکرر، نویسنده (نتصر) خود اذعان می‌دارد که مطلب قابل توجهی در خصوص نقش یهودیان در شکل‌گیری انقلاب مشروطیت حتی در منابع یهودیان نیز وجود ندارد. تلاش نویسنده جهت تاریخ‌سازی و جعل تاریخ در این مقاله به خوبی مشهود می‌باشد.

تلاش نتصر جهت طرح نام دو تن از یهودیان و همراهی آنها با انقلاب مشروطه‌ی ایران در حالی صورت می‌پذیرد که حبیب لوی در کتاب خاطرات خود در خصوص یکی از این دو نفر چنین می‌نویسد:

عزیز آشر یکی از جنگندگانی است که افتخار فتح تهران از آن است. وی پس از پیروزی مشروطیت در تهران به شغل عکاسی پرداخت و چون به سال‌های پیری رسید در اسرائیل سکنی گزید.^۲

فرجام فردی که به ادعای نتصر در انقلاب مشروطیت نقش داشته و خود را فدایی ایران می‌کند، با مطالب مطرح از سوی لوی، نکته‌ی جالبی است که چگونگی جمع شدن این دو موضوع و قضاوت آن را به خوانندگان واگذار می‌کنیم.

۱. همان، جلد اول، ص ۳۲.

۲. حبیب لوی، تاریخ جامع یهودیان، بازنوشته هوشنگ ابرامی، بنیاد فرهنگی حبیب لوی، لس‌آنجلس، ۱۹۹۷، ص

۴۷۳.

۳. کتاب پادیاوند

این کتاب در ۳ جلد توسط جامعه‌ی دانشوران در سال ۱۹۹۶ منتشر شده است. این کتاب که در قالب مقالات مختلف ارائه شده، گام دیگری در جهت تحریف تاریخ از سوی یهودیان می‌باشد. برای نمونه در جلد اول این کتاب از دو فرد یهودی به نام شاهین و عمرانی به عنوان شاعران بزرگ که تأثیر عمده‌ای را در ادبیات ایران داشته‌اند، یاد شده است.^۱

در مطلب مورد نظر عنوان شده است که این دو شاعر به زبان فارسی و خط الرسم عبری شعر سروده‌اند. این سوال در اینجا مطرح می‌شود، چطور فردی که به خط الرسم عبری شعر سروده، توانسته بر ادبیات فارسی تأثیر بسزایی داشته باشد؟ اصولاً چه ارتباطی بین خط عبری و ادبیات فارسی وجود دارد که نویسندگان کتاب سعی در طرح و بزرگنمایی آن دارند.

۴. کتاب خاطرات حاخام یدیدیا شوفط

این کتاب توسط بنیاد فرهنگی حاخام یدیدیا شوفط در امریکا منتشر شده است. کتاب شامل خاطرات یدیدیا شوفط (رهبر مذهبی یهودیان ایران در سال‌های گذشته) می‌باشد. کتاب مورد نظر به شکل گسترده‌ای به طرح مطالب کذب و دروغ در رابطه با مسائل تاریخ معاصر مبادرت ورزیده است که از آن جمله:

۱. تناقضات متعدد

۲. ایجاد نقشی کاذب از یهودیان در فرآیند تحولات تاریخی

۳. اتهام و افترا به انقلاب اسلامی و رهبران آن

در خصوص تحریف‌های موجود در کتاب می‌توان به مواردی اشاره داشت:

نویسنده در جایی در خصوص امام می‌نویسد:

هرگز یادم نمی‌رود، وقتی آقای خمینی به پلکان هواپیما آمد، به دستور بلندگو همه‌ی

استقبال‌کنندگان زانو زدند، خود من، راو داوید و بقیه همه به ناچار زانو زدیم و در

همان حال زانو زده به سخنان او گوش دادیم.^۲

در قسمت دیگر کتاب آمده است:

تیرباران شخص لایق، فداکار، بی‌گناه و خدمتگزاری مثل مرحوم حبیب القانیان که

۱. پادیاوند، جلد اول، انتشارات مزدا، لس‌آنجلس، ۱۹۹۶، ص ۵۴ و ۵۸.

۲. منوچهر کوهن، خاطرات حاخام یدیدیا شوفط، بنیاد فرهنگی حاخام یدیدیا شوفط، لس‌آنجلس، ۲۰۰۱، ص ۲۹۳.

عاشق ایران و حامی بدبختان و بیچاره‌ها بود... یکی از تلخ‌ترین خاطرات دوران زندگی حقیر می‌باشد.^۱

تحریف دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، نقل قول نویسنده در خصوص امام می‌باشد: موقعی که من در پاریس بودم، بزرگان یهودیان پاریس و نماینده‌ی کلیمیان یک روز آمدند نزد من و گفتند حضرت آیت‌الله، شما یک روزی تشریف می‌برید به ایران و صاحب قدرت می‌شوید. لطفاً از یهودیان ایران توجه بفرمائید و آقای خمینی گفت: من بیش بینی شما را هرگز فراموش نمی‌کنم.^۲

۵. کتاب تاریخ جامع یهودیان

این کتاب توسط حبیب لوی تألیف و به وسیله‌ی هوشنگ ابرامی بازنویسی و در امریکا در سال ۱۹۹۷ به چاپ رسیده است. نویسنده در این کتاب به تشریح تاریخ یهودیان ایران از ازمنه‌ی تاریخی پرداخته است. نویسنده در عین بررسی تاریخچه‌ی یهودیان در ایران، به طرق مختلف به تحریف تاریخ پرداخته و اتهامات متعددی را متوجه مسلمانان به دلیل آنچه که نویسنده از آن به عنوان یهودستیزی یاد کرده، نموده است. محورهای کلی این کتاب را می‌توان در موارد زیر بیان داشت:

(الف) ترسیم چهره‌ای مظلوم از یهودیان در تاریخ ایران

(ب) بیان این نکته که در اعصار مختلف تاریخ ایران، ظلم و ستم فراوانی به یهودیان روا داشته شده است.

(ج) متهم نمودن مسلمانان به آزار و اذیت یهودیان و فشار به آنها جهت پذیرش دین اسلام

(د) توهین به روحانیت و معرفی آنها به عنوان مسبب کشتار یهودیان

نویسنده در خصوص ادعاهای خود در متن کتاب به هیچ منبع و یا سند معتبری استناد نکرده و صرفاً به ذکر منابعی به صورت کلی در انتهای کتاب بسنده کرده است.

◆ انقلاب اسلامی و یهودیان ایران

یکی از مباحث مهمی که جای تحقیق و بررسی بیشتری را از سوی محققین می‌طلبد، تبلیغات

۱. همان، ص ۳۱۳.

۲. همان، ص ۲۹۶.

گسترده‌ی یهودیان ایران مبنی بر همراهی آنها با انقلاب اسلامی و حمایت آنها از مبارزات مردم در پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد. ولی واقعیات و اسناد موجود جعلگی خلاف این موضوع را ثابت می‌کند. به عبارتی باید گفت با مطالعه‌ی اسناد منتشر شده بین اقدامات و مواضع یهودیان در پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تفاوت فاحشی مشاهده می‌شود. در این بخش به جهت آنکه متهم به یکسونگری نشویم، ابتدا به بیان مواضع یهودیان در پیش از انقلاب اسلامی با استناد به آثار چاپ شده‌ی آنها می‌نماییم و سپس به پاره‌ای از اسناد منتشر شده‌ی ساواک در خصوص یهودیان ایران اشاره می‌کنیم.

باید گفت مواضع یهودیان در پیش از انقلاب در موارد زیر قابل بیان می‌باشد:

۱. حمایت از حکومت پهلوی

۲. پشتیبانی و حمایت از اسرائیل به طرق مختلف:

الف) حمایت نظامی با حضور در ارتش این رژیم

ب) پشتیبانی مالی و ارسال کمک‌های نقدی در جهت تقویت اقتصادی این رژیم

◆ ارتباط یهودیان ایرانی با اسرائیل در منابع یهودی

در این خصوص مطالب فراوانی وجود دارد که به ذکر چند مورد بسنده می‌شود:

۱. تنها چند روز پس از وقوع حادثه‌ی بهمن ۵۷ بود که آقای پ.ی. اطلاع داد که خبر یافته است تعداد کثیری از پرونده‌های اداری نمایندگی یهود (سوخنوت) در آن اداره روی هم ریخته است و با نهایت رشادت اعلام کرد که کسانی را فرستاده است که این اسناد را جمع‌آوری و بسوزانند و موجب تأسف فراوان است که آقایان خودخواه [منظور نویسنده، کارکنان سفارت اسرائیل است] تا این حد احساس مسئولیت نداشته‌اند که این اسناد را که با جان و حیثیت عده‌ی زیادی بازی می‌کرد، قبلاً و پیش از فرار، معدوم نمایند.^۱

۲. در اواسط اسفند ماه ۵۷، شادروان حبیب‌القانیان تلفنی با من تماس برقرار نمود. به دنبال اقدام‌های دسته جمعی و مکرر همه روزه، سخت ناراحت بود. به من اظهار داشت نگرانی عمده‌ی من خرید ملک سفارت اسرائیل به نام انجمن کلیمیان است که مورد تصرف فلسطینی‌ها واقع و تبدیل به سفارت فلسطین شده است. به او پاسخ دادم که سند خریداری را شما امضا نکرده‌اید بلکه مرحوم عطاءالله یومطوب به نمایندگی و وکالت از طرف انجمن، در دفترخانه

۱. گزارش خاطرات یوسف کهن، بنیاد یوسف کهن، امریکا، ۱۹۹۳، ص ۳۱۶.

حاضر و امضا نموده است و ظاهراً به شما ارتباطی ندارد و اگر سؤالی شد، اظهار بی‌اطلاعی کنید.^۱

در خصوص دو مطلب فوق‌الذکر سؤالات چندی مطرح می‌باشد که لازم است خوانندگان از آن مطلع باشند:

الف) فردی که نویسنده از آن با نام مختصر پ.ی که به احتمال زیاد یهودی می‌باشد، چه شخصی است که نویسنده حاضر نشده نام کامل آن را ذکر کند؟ جز اینکه این احتمال وجود دارد که نامبرده در حال حاضر در کشور به سر می‌برد؟

ب) چه ارتباطی بین اسناد مذکور و اسرائیل بوده که باقی ماندن آن می‌توانسته برای جامعه‌ی یهود ایران مضر باشد؟ اگر چه نمی‌توان به صورت دقیق در این خصوص اظهار نظر کرد، ولی این نکته مسلم است که این اسناد از عمق روابط بین یهودیان ایران و اسرائیل حکایت داشته است.

ج) نقش انجمن کلیمیان و فراهم آوردن امکانات حضور اسرائیل در کشور با در اختیار گذاشتن ملک برای این رژیم، خود سند روشن دیگری از روابط عمیق جامعه‌ی یهود ایران با اسرائیل می‌باشد.

۳. یهودیان ایران پیرو درخواست من در یاری رسانی به نیازهای بیمارستان تل هشومر دست به کار شدند و در ماه اوت ۱۹۷۲ ابراهیم موره، یکی از رهبران آنان سی و هفت هزار و هفتصد و ده دلار امریکایی و سپس یکصد هزار دلار را برای بیمارستان شیبیا گردآوری نمود و به اسرائیل فرستاد. یاری‌های بی‌پیرایه‌ی یهودیان ایرانی به دستگاه‌های پژوهشی اسرائیل، همواره نمونه‌ی گویایی از پاکدلی و از خودگذشتگی آنان بوده است.^۲

۴. فروتنی و افتادگی را همپای آگاهی و پختگی، باید از ویژگی‌های اخلاقی رهبران صهیونیست در ایران بدانیم. همه‌ی این رهبران با بزرگان کشور اسرائیل چه پیش از دوره‌ی خودفرمانی (استقلال) و چه پس از آن همکاری‌هایی تنیده و همکاری‌هایی فرهنگی داشتند.^۳

۵. سند مربوط به ارتباط انجمن کلیمیان با سفیر اسرائیل در تهران^۴:

۱. همان.

۲. مؤثر عزری، یادنامه، دفتر دوم، برگردان به فارسی ابراهام حاخامی، اورشلیم، ۲۰۰۰، ص ۴۴.

۳. همان، ص ۱۹۴.

۴. همان، ص ۲۶۶.

انجمن کلیسیای ایران

بیت هین، ا محکمه شرعی ۱

به نام خداوند

پنجم سپتامبر ۱۹۷۴

مردی که خوبی مردمش را خواهن است
مردی که برادرانش سزاوار او هست
شیر بیستین کشور خوب و مقدس بهره جو ایران
آقای شیر عزیزی
مردی که خداوند بی او پیش دارد

ولستی و دوستی از زمین برمیخیزد
برای میکشیم و آنچه را که باید میکشیم
تو مردی که به ما برمیخیزد
ما ویژگیهای بشر و مرکبه از تبار بزرگان
بر فرازین جنگ

ما بهیچگونه گواهی میسیم که آقای شیر عزیزی سفیر دولت اسرائیل در ایران، به راستی خود را دوستی میان
مطهرای این دو کشور گزینده و در انجام این کار بزرگ و ستره‌منی از هیچ ناشی کردن می نکرده است. تا سوره
با دوراندیشی و پختگی هیا با دوستی و پاکی ی فرزین بر گویه اش فر سله رفقاری خوش و بسنده ترنست
سر حد شتوریدا چیره گردد و که هلی سینه را یکی پس از دیگری بکشاید.

شیر با تکلفی بیوزنه بر فراسوی پاره ای ناسازگارها میان گروهها، هسته ها و دله هلی گوناگون ایرانیان
میروی. توانسته با شکستی و برتری همه آنها را از میان برآورد و هستگی ی دل و میان این قوم پیرونده
سازد. این مردم را بر سر پاهای خود نگاه دارد و اندیشه خودنگه‌ارندگی او در میانشان توانست نماید. او نیاز
بزرگ مردم را به نیکی دریافته، با غرمندهی و پیشکار و به مشیاری ی خود آنان انگیزه و ریشه آن نیاز را
یافته و پاسخی شایسته فراهم کرده است. شیر به مردم خود ایران سرپندی داده و آنان را پلوی سوده تا میان
خیزمان خریش به بهتری بردشان باشد. او آشکارا زندگی ی تازه ای به این قوم درهیده بخشیده است. او
خود را شای پیشه خویش با وفاداری به مردم خویش به دست آوردهای فرزان به سود کشور اسرائیل نسته یات.
جان و تفرستی اقی را فرارگه گزیندفرین سوده تا بهترینها را برای مردمش به چنگ بآورد.

ما سلهای شگرفی را که او به نمایندگی ی از سرزمین پاک شیر و عمل کشور نوین اسرائیل ۱۰۰ صدم
گوشان بود، سلهای شکر و سرفرازی میخوانیم. سلهای کلیلی و فرزندگی میادیم و از خدارت بخشنده
سهران میخوانیم نیایشی ما را در پشتیبانی از او و خانواده اش بپذیرد.

آرزیده باشند آنکه هر راه تو و پلوی به مردم تو به جان میکوشند و انجام دستور تو را فراسوی هر پیشی
میبینند. از سوی ما که پادشاه تو را، کل مقدس او به دوش میکشیم. به دستور خداوند کام میزیم. به فرمان
او هر تهران انگر اندامت و فر این سرزمین ارض زده ایم.

(۱۸)

حامد ابری ال دایمی

حامد پدیدا مشرفط

۶. دکتر لوی که از همان آغاز نوجوانی، در دل پیوندی استوار با سرزمین اسرائیل بسته بود، طی سالیان دراز با کسانی چون وایزمن، بن صوی، سوکولو، ژابوتسکی، اوسیشکین، شارت، بن‌گورین، دایان و چند تن دیگر از بزرگمردانی که رهبری احیای اسرائیل را به عهد داشتند، در ارتباط بود. آتش عشق لوی به خاک نیاکانش، اسرائیل، همیشه در وجودش زبانه می‌کشید.^۱

۷. کشش به سوی سرزمین مقدس میان یهودیان ایران، پس از صدور اعلامیه، بالفور کمابیش رو به تزاید گذاشته بود.^۲

۸. بزرگترین حادثه‌ی تاریخی برای یهودیان ایران مانند دیگر یهودیان دنیا در این عصر، استقلال کشور اسرائیل بود که در نخستین دهه‌ی پادشاهی محمدرضا شاه بود.^۱

◆ ارتباط یهودیان ایرانی با اسرائیل در اسناد ساواک

در این بخش نیز اسناد متعددی منتشر گردیده است که به لحاظ اختصار به مواردی چند اشاره می‌گردد:

۱. در تاریخ ۱۳۳۶/۴/۲۱ مراسم افتتاح بازی‌های ورزشی جوانان یهود جهان، از تلویزیون اسرائیل که به خوبی در اردن دیده می‌شود، پخش شد. یکی از تیم‌های شرکت کننده، تیم یهودیان ایران بود که بر خلاف اکثر تیم‌ها که پرچم ملی خود را حمل می‌کردند، پرچم اسرائیل را در دست داشت.^۲

۲. شب گذشته در قهوه‌خانه‌ی چشمه اعلا، جوانان یهودی که عده‌ای از آنها همه شب در آنجا اجتماع می‌کنند، یکدیگر را خبر می‌نمودند که برای فردا ساعت ۱۶ در کلوب اسرائیل جمع شوند. از یکی دو نفر از آنها تحقیق به عمل آمد و معلوم شد جوانان یهود در تهران اتحادیه‌ای را برای کمک به یهودیان فلسطین تشکیل داده‌اند و جلسه‌ی فردا هم برای همین منظور می‌باشد.^۳

۳. روز ۱۳۵۲/۷/۲۲ جلسه‌ی انجمن کلیمیان با حضور کلیه‌ی اعضا و لوبرانی، نماینده‌ی سیاسی اسرائیل در ایران و معاون وی و عزری نماینده‌ی سابق اسرائیل در ایران و با شرکت اعضای کمیته‌ی مگبیت تشکیل گردیده است. در این جلسه ابراهیم راد و حبیب القانیان از تجار معروف یهودی پیشنهاد نمودند، همان‌طوری که قبلاً کمیته‌های جمع‌آوری اعانه جهت کمک به اسرائیل به سرپرستی لطف‌الله حی تشکیل گردیده بود، مجدداً تشکیل و سریعاً نسبت به جمع‌آوری اعانه اقدام نمایند. در جلسه‌ی مزبور ابراهیم راد در زمینه‌ی جمع‌آوری پول و کمک به اسرائیل سخنان مهیجی ایراد نمود. ضمناً در روزهای اعیاد مذهبی یهودیان (روزه‌ی بزرگ) حدود ۲۵ میلیون ریال پول از یهودیان برای کمک به اسرائیل جمع‌آوری گردیده است. آقای لوبرانی اظهار داشت که تل آویو اطلاع داده‌اند که همزمان با سایر ممالک دیگر، یهودیان ایران

۱. همان، ص ۵۳۸.

۲. سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۹۳.

۳. همان، ص ۸۲.

هم بایستی به اسرائیل کمک نمایند و بایستی مبلغ سی میلیون تومان جمع‌آوری شود. آقای عزری، نماینده‌ی پیشین اسرائیل در ایران، ارقام روزانه‌ی جنگ را بیان و اظهار داشت این جنگ برای اسرائیل گران تمام می‌شود و بایستی هر چه زودتر دست اندرکار جمع‌آوری اعانه شد. سپس القانیان اظهار داشت من کمک قابل توجهی به اسرائیل خواهم کرد و آقایان هم بایستی کمک نمایند. سپس آقای کرمانشاهی و ابراهیم راد در زمینه‌ی جمع‌آوری پول و کمک به اسرائیل سخنان مهیجی ایراد نمودند.^۱

۴. روز ۱۳۵۲/۷/۲۳ حدود ۶۰ نفر از یهودیان سرشناس تهران که ضمناً اعضای کمیته‌های مگبیت نیز می‌باشند، در محل انجمن کلیمیان تجمع نموده‌اند. در این جلسه لطف‌الله حی، نماینده‌ی اقلیت یهود در مجلس شورای ملی که سرپرستی کمیته‌های مگبیت را به عهده دارد، اظهار داشته: شما بایستی در نهایت خفا و پنهانی به طوری که کسی متوجه نشود، اعانه و پول جمع‌آوری نمایید تا از طرف مسلمانان و افراد مخالف مزاحمت‌هایی ایجاد نگردد و احیاناً با مخالفت بزرگ مردم رو به رو نشوید و در این مورد بایستی کمال احتیاط را به کار ببرید که خدای نخواستہ برای دولت در دسر ایجاد نشود. حاضرین در این اجتماع، سوالاتی در زمینه‌ی طرز جمع‌آوری اعانه از لطف‌الله حی نمودند که پاسخ لازم داده شده است.^۲

اسناد مذکور تنها بازگو کننده‌ی گوشه‌ای از پیوندهای عمیق یهودیان ایرانی با اسرائیل می‌باشد. در واقع این روابط ابعاد گسترده‌ای را در حوزه‌های مختلف سیاسی، اطلاعاتی، امنیتی، اقتصادی و... داشته است که اسناد موجود و منتشر شده تنها زوایای کوچکی از این عرصه را بازگو می‌کنند. تو خود حدیث مفصل خوان از این مجمل.

وجود روابط بین یهودیان ایران و اسرائیل در حالی بوده است که امام خمینی (ره) از شروع نهضت خود در سال ۱۳۴۲ همواره خطر اسرائیل را برای ایران و مسلمانان در سخنرانی‌ها و اعلامیه‌های متعدد بازگو نموده بود. لذا در این رابطه هیچ‌گونه جای ابهام و یا توجیه وجود نداشته است. بنابراین اقدامات جامعه‌ی یهود ایران در یاری رسانی به رژیم غاصب اسرائیل با آگاهی و اطلاع آنها بوده است و این بخش از تاریخ که مبتنی بر واقعیات و اسناد معتبر می‌باشد، در آثار منتشر شده از سوی یهودیان ساکن در ایران که مدعی حضور آنها در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی بوده، در بعد از انقلاب هیچ بازتاب و یا نمودی نداشته است.

۱. همان، صص ۵۱۴ و ۵۱۵.

۲. همان، ص ۵۱۶.

در این میان انتشار کتاب ارزشمند سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، نقطه‌ی عطفی در تاریخ معاصر ایران، جهت شناخت اقلیت یهودی در کشور و آشنایی با اقدامات و فعالیت‌های آنان در رژیم سابق می‌باشد و جا دارد که پژوهشگران عرصه‌ی تاریخی در پژوهش‌های خود توجه بیشتری را به این کتاب داشته باشند.

◆ نتیجه

با بررسی آثار منتشر شده از سوی یهودیان می‌توان ویژگی‌های این آثار را در موارد زیر بیان نمود:

۱. اکثر آثار و مطالب منتشر شده فاقد منبع می‌باشد.
 ۲. منابع معرفی شده در آثار ارائه شده، جعلی به نقل از یهودیان مطرح گردیده است.
 ۳. در اکثر این آثار سعی شده تا مطالب تاریخی و حوادث به گونه‌ای نقل شود که امکان تحقیق و ارزیابی آن از سوی منابع غیر یهودی فراهم نگردد.
 ۴. جعلی این آثار بر یک نکته تأکید دارند و آن تأثیری است که فرهنگ، ادبیات، تاریخ، هنر و اقتصاد ایران از یهودیان پذیرا شده است.
 ۵. بیشتر این آثار در قالب خاطره نویسی آورده شده است، به گونه‌ای که به راحتی بتوان بدون ذکر منبع به تحریف وقایع پرداخته و بافته‌های خود را به عنوان یافته‌های تاریخی به خواننده القا نمود.
 ۶. عمده‌ی این آثار پس از انقلاب اسلامی و در خارج از کشور منتشر گردیده است.
 ۷. وجه غالب آثار چاپ شده در خارج از کشور، حمله به نظام جمهوری اسلامی و متهم نمودن آن به یهودستیزی و تمجید از رژیم گذشته و یادآوری دوران پرشکوه یهودیان در دوره‌ی پهلوی می‌باشد.
 ۸. بیان مظلومیت یهودیان و ظلم و ستم روا شده به آنها در ادوار مختلف تاریخ ایران از جمله ویژگی آثار چاپ شده می‌باشد.
- با تطبیق و بررسی مطالب منتشر شده از سوی یهودیان در داخل و خارج از کشور باید گفت جعلی این آثار یک هدف واحد را دنبال می‌نمایند، لیکن در داخل کشور، این مطالب با در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی منتشر، ولی در خارج از کشور این ملاحظات وجود ندارد. به طور مثال هر دو گروه از یهودیان داخل و خارج از کشور سعی در طرح موضوع ظلم و ستم روا

شده علیه یهودیان در ایران را دارند. با این تفاوت که آثار چاپ شده در داخل از واژه‌ی نادیده انگاشتن حقوق یهودیان در طول سال‌های گذشته استفاده می‌نمایند، در حالی که آثار چاپ شده در خارج از کشور از واژه‌ی یهودستیزی در ایران استفاده می‌کنند.

در جمع‌بندی از مباحث طرح شده، باید گفت تمام هم و غم شماری از قلم به دستان و نویسندگان یهودی ایرانی در ارائه‌ی آثار خود یک هدف می‌باشد و آن ایجاد یک تاریخ مصنوعی و تحریف شده در آثار منتشره می‌باشد، به گونه‌ای که این آثار به عنوان منابع و مرجعی برای تحقیقات دیگران به ویژه بخش‌های دانشگاهی و مطالعاتی مورد استفاده قرار گیرد. لذا تاریخ‌پژوهان و محققین باید در استفاده از آثار و نوشته‌های یهودیان موضوع تحریف، جعل و جریان‌سازی تاریخی را از سوی آنان مد نظر قرار دهند.